

تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۴۷	تاریخ	۱۴۰۳ / ۱۰ / ۲۳
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سورة «حمد»				
عنوان ۳	اقسام رحمت الهی				
عنوان ۴	رحمة الجزاء (رحمت پاداش)				

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين

اقسام رحمت الهی

همان گونه که پیش تر بیان شد، آخرین قسم از اقسام پنج گانه رحمت الهی، «رحمة الجزاء» است. در آیات و روایات ما پنج قسم رحمت به چشم می خورد. مقصود از این قسم آن است که خداوند متعال هیچ عمل خیر و شری را بی جزا نمی گذارد؛ مخصوصاً عمل خیر که محور اصلی بحث ما در اینجا است. هرکس کار نیکو کند، در همین جهان پاسخ نیک آن را دریافت می کند و این پاداش، علاوه بر جزایی است که در آخرت برای او مقدر شده است؛ زیرا نظام هستی بر پایه پاداش عمل خیر استوار گشته و این خود یکی از مصادیق رحمت رحمانی پروردگار است.

برخی از این اقسام پنج گانه در رحمت رحیمی مندرج می شوند و برخی در رحمت رحمانی. به عنوان مثال، رحمت مبتدئه از مصادیق رحمت رحمانی است. البته، همان طور که بیان شد، همه این اقسام تحت رحمت رحمانی مندرج می گردند؛ اما رحمت رحیمی، اخص از رحمت رحمانی است و بعضی از این اقسام منحصرأ تحت رحمت رحیمی جای می گیرند؛ مانند رحمت ابتدایی یا رحمت مبتدئه که مقتضای رحمت رحمانی است و دامنه رحمتش همه چیز را شامل می شود. اما رحمت غایی، چنانکه پیش تر بیان شد، مصداق رحمت رحیمی است که بشر را به بالاترین غایتی که رسیدن به آن برایش ممکن است، می رساند. رحمت سوم، رحمت مکتوبه بود و گفتیم مکتوبه قبلی و مکتوبه بعدی داریم. مکتوبه قبلی که در آیه شریفه: ﴿رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾^۱ بدان اشاره شده، رحمت قبول توبه است و تحت رحمت رحیمی می گنجد؛ چون رحمت قبول توبه، بشر را به رحمت غایی می رساند؛ پس بشر را در رحمت غایی مندرج می سازد و رحمتی است که با قبول توبه حاصل می گردد. اما گشایش در توبه، خود مصداق رحمت رحمانی به شمار می رود و خداوند متعال در توبه را برای همگان می گشاید.

اما رحمت مکتوبه بعدی، مخصوص امت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و شاید بدین روی، این امت «امت مرحومه» نامیده می شود و آیه شریفه: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ...»^۱ بدان اشاره دارد. این آیه به امت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص دارد.

به رحمت اجابت رسیدیم که چهارمین قسم رحمتی بود که بحث کردیم و گفتیم این نیز از مصادیق رحمت رحمانی است. خداوند دعای همه انسان ها، هر دعاکننده و هر سؤال کننده ای را برآورده می سازد. چنانکه فرموده است: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^۲؛ هرکس که از خدا بخواهد و به درگاهش دعا کند، خدا در مقام اجابت است و خود فرموده: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۳، من دون فرقی بین المؤمن و الکافر، و بین الصالح و غیر الصالح. قانون دعا این است که به انحای مختلف اجابت، مستجاب می شود.

رحمة الجزاء (رحمت پاداش)

بحث این شب ما پیرامون پنجمین قسم از رحمت، یعنی «رحمة الجزاء» است. به اجمال در قرآن کریم به این رحمت فراوان اشاره شده است؛ مانند:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ»^۴؛

کسی که دنیا طلب باشد، هر تلاشی کند، جزایش را می گیرد. کسانی که برای دنیا زحمت می کشند، اگر واقعاً خوب زحمت بکشند و تلاش کنند، «نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ»؛ اعمالشان را تمام و کمال به آنان می دهیم و چیزی از آن کم نمی شود. البته [در ادامه می فرماید]:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ...»^۵؛

کسی که فقط و فقط برای دنیا بکوشد و هیچ نظری به آخرت نداشته باشد و مؤمن به آخرت نباشد، از پاداش اخروی محروم است؛ ولی در این دنیا «نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ». در جای دیگر می فرماید:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ * وَإِنَّ كَلَامَنَا لَيُوفِّيهِمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»^۶؛

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرمان قبلی خدا [در زمینه آزمایش و اتمام حجت بر آنها] نبود، در میان آنان داوری می شد! و آنها [هنوز] در شک اند، شکی آمیخته به بدگمانی! * و پروردگارت اعمال هر یک را بی کم و کاست به آنها خواهد داد؛ او به آنچه عمل می کنند آگاه است!

و همچنین:

۱. همان.

۲. سوره رحمن: ۲۹.

۳. سوره غافر: ۶۰.

۴. سوره هود: ۱۵.

۵. همان: ۱۶.

۶. همان: ۱۱۰ و ۱۱۱.

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوقِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾^۱؛

و برای هر کدام از آنها درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند، تا خداوند کارهایشان را بی‌کم و کاست به آنان تحویل دهد؛ و به آنها هیچ ستمی نخواهد شد.

این آیات مربوط به «توفیه عمل» است و معنای توفیه عمل همین است که انسان پاداش عمل را در همین دنیا به‌طور کامل و بدون بخش (کاستی) دریافت خواهد کرد.

[و در سوره یوسف می‌فرماید:]

﴿وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲؛

و این‌گونه ما به یوسف در سرزمین [مصر] قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید [و تصرف می‌کرد]! ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم [و شایسته بدانیم] می‌بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.

در اینجا به رحمت اجر تصریح دارد و اگر رحمت جزاء را از اقسام رحمت می‌شماریم، به دلیل همین آیه است که می‌فرماید: ﴿نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ یعنی مقامی که یوسف علیه السلام در دنیا به‌دست آورد، نتیجه همه صبر و زحمتی بود که متحمل شد؛ ولی خداوند می‌فرماید با همه این جلالت قدر یوسف علیه السلام و اجری که در دنیا به او بخشیدیم، ﴿وَلَا أَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾^۳. کسی گمان نکند که اگر یوسف علیه السلام به این مقامات دنیوی رسید، مؤمن نیز بخواهد برای طلب آن‌ها تلاش کند. ما کار خود را می‌کنیم و کسی که در این دنیا زحمت بکشد و احسان و کار خیری کند، در این دنیا پاداش خود را می‌گیرد؛ اما مؤمن نباید برای پاداش دنیوی تلاش کند؛ بلکه باید هدفش تلاش اخروی باشد.

[و در سوره نساء می‌فرماید:]

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۴؛

[هرگز] افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان (ترک‌کنندگان جهاد) برتری مهمی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه [به نسبت اعمال نیکشان]، خداوند وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

این آیه نیز اشاره دارد که این «اجر» مصداق رحمت الهی است.

در سوره «الرحمن» نیز پس از آنکه خداوند متعال پاداش اهل ایمان را بیان می‌کند، می‌فرماید:

۱. سوره احقاف: ۱۹.

۲. سوره یوسف: ۵۶.

۳. همان: ۵۷. و در سوره نحل: ۴۱ می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَنْبُوَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا أَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾.

۴. سوره نساء: ۹۵.

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾^۱؛

این نشان می دهد که این سنتی ثابت و قاعده ای پایدار است که پاداش احسان و نیکی، خود احسان و نیکی است.

روایات در باب رحمه الجزاء

در روایات نیز چنین آمده است:

در روایت صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«قال رسول الله: ان القوم ليكونون فجرة ولا يكونون بررة»؛ «فیصلون ارحامهم فتنمی اموالهم و تطول اعمارهم فكيف اذا

كانوا بررة»؛

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فَجْرَةً وَلَا يَكُونُونَ بَرَّةً فَيَصِلُونَ أَرْحَامَهُمْ فَتَنْبِي أَمْوَالُهُمْ وَتَطُولُ أَعْمَارُهُمْ فَكَيْفَ إِذَا كَانُوا أَبْرَاراً بَرَّةً»^۲.

جمعی که افراد خوبی نیستند؛ نماز نمی خوانند و اصلاً به خدا ایمان ندارند، اما در رفتارهای دنیوی شان صله رحم می کنند و به خودشان می رسند، خداوند متعال در همین دنیا پاداش عمل خیرشان را به آنان می دهد؛ در مالشان برکت ایجاد می شود. روایات بسیاری داریم که می گوید صله رحم، منشأ رزق و روزی و برکت در مال است و عکس آن نیز صدق می کند. برخی از بزرگان می گفتند هرگاه از نظر مالی، فشاری را متحمل می شده اند، صله رحم می کرده اند و گشایش ایجاد می شد؛ یعنی صله رحم چنین تأثیری در گشایش مالی دارد. «وَتَطُولُ أَعْمَارُهُمْ»؛ و این مجرب است که هم صله رحم، طول عمر می آورد و هم قطع رحم موجب قصر عمر است.

این روایت نیز تأکید می کند بر این که مسأله پاداش عمل در این دنیا یکی از سنت های الهی و از مصادیق رحمت اوست. کسی که کار خوب بکند، حتی اگر کافر باشد و مؤمن نباشد، پاداش کار خود را در این دنیا می گیرد. به سند صحیح از امام کاظم علیه السلام نقل شده است:

«كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مُؤْمِنٌ، وَكَانَ لَهُ جَارٌ كَافِرٌ، فَكَانَ الْكَافِرُ يَرْفُقُ بِالْمُؤْمِنِ وَيُؤَلِّيهِ الْمَعْرُوفَ فِي الدُّنْيَا»؛

در میان بنی اسرائیل، مؤمنی می زیست که همسایه ای کافر داشت؛ اما به این مؤمن، رسیدگی و احسان می کرد؛

«فَلَمَّا أَمَاتَ الْكَافِرُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي النَّارِ مِنْ طِينٍ»؛

جای کافر، در آتش جهنم است، لذا وقتی همسایه از دنیا رفت، به جهنم رفت؛ اما در آن دوزخ، آسیبی به او نمی رسید؛

«وَكَانَ يَقِيهِ حَرَّهَا وَيَأْتِيهِ الرِّزْقُ مِنْ غَيْرِهَا»؛

هم رزق او را می دادند و هم از حرارت آتش و گرمایش در امان بود؛

۱. سورة رحمن: ۶۰.

۲. قومی که فاسق و فاجرند. [معظم له].

۳. الکافی؛ کتاب الإیمان و الکفر، باب صلة الرحم، ح ۲۱.

«وَقِيلَ لَهُ: هَذَا مَا كُنْتَ تَدْخُلُهُ عَلَى جَارِكَ الْمُؤْمِنِ فَلَانَ بْنِ فُلَانٍ مِنَ الرِّفْقِ وَتُؤَلِّيهِ مِنَ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا»^۱

یعنی مسأله جزا و پاداش، حتی به کافر، تنها پاداش دنیوی نیست؛ بلکه کافری که کار خیری کند، به مقدار کار خیرش در دنیا، در آن عالم نیز پاداش می گیرد و اگر در این دنیا به او ندهند، در دنیای دیگر پاداش خود را دریافت می کند.

[عثمان بن عیسی از علی بن سالم نقل می کند که می گوید:

«سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ مُسْجَلَةٌ»

آیه ای است که تثبت شده و حتمی است؛

«قُلْتُ: مَا هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» جَزَتْ فِي الْكَافِرِ وَالْمُؤْمِنِ وَالْبَرِّ وَالْفَاجِرِ مَنْ صَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَعَلَيْهِ أَنْ يُكَافِيَ بِهِ»

اگر کسی خدمتی به دیگری ارائه داد و احسانی کرد، باید حتماً پاداش احسانش را به او بدهد؛

«وَلَيْسَتْ الْمُكَافَأَةُ أَنْ يَصْنَعَ كَمَا صَنَعَ بِهِ»

در پاداش هم کافی نیست که همان کار خیری را که او انجام داده، به همان شکل انجام دهی. این کافی نیست؛

«بَلْ حَتَّى يَرَى مَعَ فَعْلِهِ لِدَلِيلِكَ أَنَّ لَهُ الْفَضْلَ الْمُبْتَدَأَ»^۲

علاوه بر اینکه در مقابل احسان او، به او احسان می نماید، باید اقرار و اعتراف هم بکند که تو قبل از من احسان را شروع کردی. مسأله، این اقرار و اعتراف نیز جزئی از این پاداش است؛ یعنی کافی نیست که به اندازه همان احسانی که او کرده، مقابله به مثل و احسان کند؛ بلکه باید علاوه بر آن، این مطلب را بر او اظهار کند که «أَنَّ لَهُ الْفَضْلَ الْمُبْتَدَأَ»؛ احسان ابتدایی از تو بود و تو کار خیر را آغاز کردی.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر، ابواب فعل المعروف، ب، ۱، ح ۱۴.

۲. الزهد؛ ص ۳۱.